

از رجز خوانی تا مصلحت جویی

تعویض دولت و سیاست خارجی رژیم

محمود بهنام

حزب‌اللهی وزارت امور خارجه که در انتخابات مجلس هفتم نیز جزو فهرست «آبادگران» به مجلس راه یافت، در دولت جدید به وزارت امور خارجه رسیده است. بدیهی است که تغییر و تعویض مسئولان روابط خارجی رژیم در این سطح متوقف نمی‌شود و تازه واردان که حرص وافری هم برای تصرف مناسب و موقعیتهای بالای حکومتی دارند، مانند اسلافشان، ایادی و اعوان و انصار خود را بر پستهای مختلف خواهند گمارد. این امر نیز، به نوبه خود، و نه صرفاً به دلیل ناشیگری و بی‌کفایتی نورسیده‌ها، مسلماً اختلالات بیشتری در اداره مناسبات خارجی و تداوم «تنش‌زدایی» که یکی از هدفهای دولت خاتمی بود، به وجود خواهد آورد. اما، در همین حال، باید یادآور شد که هیچ کدام از این عناصر و مسئولان، از رئیس جمهوری گرفته تا وزیر خارجه، در مقیاس تقسیم و توزیع کنونی اقتدار سیاسی درون حکومت اسلامی، در سطح و وزنی نیستند که مضمون و خط مشی اصلی سیاست خارجی را تعیین بکنند و یا اصلاً در تصمیم‌گیریهای اساسی نقش مهمی داشته باشند. مسئله برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و ارتباط آن با سیاست خارجی رژیم نیز از جمله مسائلی است که تصمیمات مربوط بدان پیش از دولت جدید و فراتر از آن - و حتی فراتر از دولت پیشین - اتخاذ شده و دولت فعلی هم، به تنهایی، نمی‌تواند تغییر قابل توجهی در آنها ایجاد کند.

در هر حال، پرونده هسته‌ای ایران که از حدود سه سال پیش گشوده شده و در حال حاضر به صورت یکی از مسائل مهم سیاست بین‌المللی در آمده و توجه افکار عمومی جهانی را به خود جلب کرده است، اکنون حلقه اصلی سیاست خارجی حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد. به طوری که چگونگی برخورد با آن از جانب خود رژیم و قدرتهای جهانی، نه فقط آینده برنامه‌ها و ماجراجویی‌های اتمی جمهوری اسلامی بلکه مضمون و مسیر آتی سیاست خارجی آن - و شاید هم سرنوشت خود آن - را معین خواهد کرد.

داخلی است) در عرصه خارجی نیز دور تازه‌ای از رجز خوانی و قدرت‌نمایی را آغاز کرده‌اند.

احمدی‌نژاد که مرتباً شعار کهنه «خودکفائی» را (که از آغاز استقرار جمهوری اسلامی طرح شده و هیچ‌گاه هم به جایی نرسیده است) تکرار می‌کند، هنگام معرفی وزرای پیشنهادی به مجلس، با اعلام این که «در سیاست خارجی نیز عدالت حرف اول را می‌زند»، گفت: «در حال حاضر واردات ما از برخی کشورها، چند میلیارد دلار در سال است. این در حالی است که مشتری کالای ما نیستند و نفت نیز نمی‌خرند. همین کشورها که باید ممنون باشند که ما در رونق اقتصادی آنان سهم داریم، طلبکاری هم می‌کنند و در مسائل سیاسی با ما برخورد خصمانه دارند... و به بهانه‌های مختلف نظیر بهانه‌های حقوق بشری و اتهامات واهی تا آنجا پیش می‌روند که توقع دارند حتی در مسائل داخلی ما نیز دخالت کنند» و افزود: «همین کشورها با مجامع بین‌المللی هم به سمت محکومیت ما پیش قدم می‌شوند، این چه توازنی است. این ظلم و بی‌عدالتی است. ملت عزیز ما چنین رفتاری را در صحنه بین‌المللی نمی‌پذیرد.» لکن روشن است که این گونه حرفها و شعارها، که اکنون در داخل نیز کمتر خریداری برای آنها یافت می‌شود، در خارج کاربردی ندارد و رژیم حاکم هم در موقعیتی نیست که آنها را به کار بندد.

بخشی دیگر از شواهد موجود در ارتباط با احتمال تغییر در سیاست خارجی رژیم نیز به تغییر و تعویض «چهره‌ها» بر می‌گردد. حسن روحانی، دبیر «شورای عالی امنیت ملی» رژیم کنار رفته و علی لاریجانی جای او را گرفته است. هر چند که او از سوی خامنه‌ای منصوب شده بود ولی «آدم» رفسنجانی بود. چنان که «سردار سازندگی» هم که در کودتای انتخاباتی اخیر کاملاً مغبون شده نتوانست تأسف خود را از برکناری وی پنهان دارد و گفت: «فکر می‌کردیم حضور روحانی در شورا در شرایط حساس کنونی یک ضرورت است اما به هر دلیل اتفاق نیفتاد». اکنون یکی از «آدم»های خود خامنه‌ای عهده دار این سمت شده است. منوچهر متکی، از عناصر

با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری رژیم، در پی کودتای انتخاباتی خرداد و تیر گذشته، و روی کار آمدن دولت جدید، موضوع سیاستهای مورد نظر این دولت نیز، طبعاً، مطرح می‌شود. با این جا به جایی مهم قدرت، در درون باندهای حکومتی، از جمله سؤالات اصلی یکی هم اینست که اینان که زمام امور اجرایی کشور را در دست گرفته‌اند، در عرصه‌های داخلی و خارجی، چه مقاصدی را دنبال می‌کنند؟ یا، به عبارت دیگر، سیاستهای دولت تازه به دوران رسیده چه فرقهایی با سیاستهای سلف و یا اسلاف آن خواهد داشت؟

در عرصه داخلی، بویژه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، تردیدی نیست که این گروه سعی در پیشبرد سیاستها و اقداماتی خواهد داشت که تشدید سانسور، سرکوب و خفقان از ویژگیهای بارز آنست. سوابق، منویات و مقاصد اعلام شده و ترکیب این دولت گمارده‌ی خامنه‌ای هم، خود، گواه روشنی بر این مدعاست. اما در عرصه خارجی، آیا تشکیل دولت جدید به معنی اتخاذ و اجرای رویکرد متفاوتی نسبت به مناسبات رژیم با جهان خارج خواهد بود؟ آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی که، در این مقطع، پرونده هسته‌ای ایران گرهگاه اصلی آن را تشکیل می‌دهد، با تغییرات مهمی در این دوره روبرو خواهد شد؟ در این نوشته به بررسی اجمالی این مسئله می‌پردازیم.

برخی شواهد و قرائن موجود ظاهراً حاکی از آنست که این دولت، در زمینه خارجی هم راه متفاوتی را، نسبت به دوره گذشته، در پیش خواهد گرفت. حتی بعضی از تحلیلگران برآنند که روی کار آوردن دولتی جدید با این ترکیب مشخص هم، اساساً، به منظور پیشبرد سیاست دیگری در روابط خارجی، صورت گرفته است.

بخشی از آن شواهد مربوط به حرفها، شعارها و برنامه‌های رئیس جدید جمهوری، اعضای دولت او و حامیان آن است. اینان که مرتباً از «تغییر» و «تحول» در سیاستها و کارکرد دولت دم می‌زنند (که همان‌طور که در بالا اشاره شد، عمدتاً ناظر بر امور

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران